



تطبیق محتوایی و بصری ساقی‌نامه با ساقی‌نامه‌ها و نگارگری صفوی**

عابد کریمی^۱، اصغر رضاپوریان^۲

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران، abdkm135142@gmail.com
^۲ (نویسنده مسئول) استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران
rezaporian@gmail.com

چکیده

هنر نگارگری در ایران دوره اسلامی و ادبیات ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند. به طوری که آثار ادبی بزرگ همواره از مهم‌ترین جلوه‌گاه‌های نمایش نگارگری بوده است. دوره صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵ ه.ق) یکی از درخشان‌ترین دوره‌های نگارگری در ایران است. یکی از آثار فاخر ادبی در ایران، کتاب ساقی‌نامه باقر کاشانی است، به این دلیل که در بردارنده تعبیرات و توصیفات درباره ساقی، باده، میخانه، مطرب، آلات و نغمات موسیقی (دف، نی، تار، رباب، چنگ، ارغنون، رود، عود، سرود، پرده، نوا، مقام) و همچنین مضامین دلچسب و شیرین عرفانی (پیر مغان، عارف، زاهد، دیر و...) است. بررسی تطبیقی ساقی‌نامه مولانا محمدباقر کاشانی (خرده)، با ساقی‌نامه‌های و نگارگری عصر صفوی، از نظر مضامین و درون‌مایه‌های مشترک و سیر تاریخی آن‌ها، می‌تواند نکات مهمی را در ارتباط با پیوستگی هنر و ادبیات مطرح سازد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که توجه به پاره‌ای از مضامین و محتوای خاص ساقی‌نامه‌ها و مقایسه آن مضامین با ساقی‌نامه باقر خرده، از قبیل: توصیف ساقی، شراب، مغنی، آوردن انواع آلات موسیقی، اغتنام فرصت، نکوهش زمانه و اهل آن، اشاره به سرگذشت تاریخی، حماسی، عاشقانه و بیان اندیشه‌های عرفانی در ساقی‌نامه کاشانی حیاقر و شاعران این عصر اکتفا شده است. در نگارگری دوره صفوی نیز این مضامین دیده می‌شود.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت و اهمیت ساقی‌نامه مولانا محمدباقر خرده نسبت به ساقی‌نامه‌های عصر صفوی.
۲. بررسی تطبیقی مضامین ساقی‌نامه مولانا محمدباقر خرده با نگارگری دوره صفوی.

سؤالات پژوهش:

۱. چه مضامین مشترکی میان نگارگری دوره صفوی با ساقی‌نامه مولانا محمدباقر خرده وجود دارد؟
۲. ابعاد و مؤلفه‌های ساقی‌نامه باقر خرده با ساقی‌نامه‌های عصر صفوی چه شباهت‌هایی دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۱

دوره ۱۸

صفحه ۳۷۶ الی ۳۹۳

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۲۸

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۱۱/۱۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

ساقی‌نامه،
مولانا محمدباقر کاشانی،
نگارگری،
دوره صفوی.

ارجاع به این مقاله

کریمی، عابد، رضاپوریان، اصغر. (۱۴۰۰). تطبیق محتوایی و بصری ساقی‌نامه باقر خرده با ساقی‌نامه‌ها و نگارگری صفوی. هنر اسلامی، ۱۸(۴۱)، ۳۷۶-۳۹۳



[dori.net/dor/20.1001.1
.173070814001841210](https://doi.org/10.22034/IAS.173070814001841210)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2021.281758.1590](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.281758.1590)

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری/ پایان‌نامه "عابد کریمی" با عنوان "مقدمه، تصحیح و تعلیقات دیوان مولانا محمدباقر خرده کاشانی" است که به راهنمایی دکتر "اصغر رضاپوریان" و مشاوره دکتر "محمد حکیم آذر" در سال ۱۳۹۸ در دانشگاه "آزاد اسلامی" واحد "شهرکرد" ارائه شده است.

مقدمه

ادبیات غنایی سرشار از احساس و عاطفه است. ساقی‌نامه یکی از پایه‌های ادبیات غنایی است که می‌تواند وظیفه این گونه ادبی را به شیوه خاص خود و با بهره گرفتن از واژه‌ها و تکیه کلام‌ها و عبارات‌های ویژه است. توجه به ساقی‌نامه - سرایی و شکافتن سطوح و لایه‌های آن باز کردن پنجره‌ای جدید بر ادبیات غنی ایران بود. محمدباقر خرده یکی از شاعرانی است که دارای ساقی‌نامه است. او از شاعران و خطاطان دوره صفوی است که تاریخ وفات او را ۱۰۳۸ ق، نوشته‌اند. ساقی‌نامه‌ها به عنوان یک نوع ادبی از قرن دهم هجری مورد توجه جدی قرار گرفتند. در این دوره ساقی - نامه سرایی جنبه عام پیدا کرد و شعرای بسیاری به این نوع ادبی روی آوردند. در این مقطع تاریخی، هنر نگارگری نیز به شکوفایی رسید و آثار هنری متعددی خلق گردید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ارتباط کهنی که میان ادبیات و نگارگری وجود داشته است در دوره صفوی نیز تداوم یافته است؛ به طوری که مضامین ادبی و حماسی در این دوره نیز از نکات و محتواهای محوری در نگارگری این دوره است. با توجه به رونق ساقی‌نامه سرایی در این دوره می‌توان بررسی وجوه تشابه ساقی‌نامه‌های این دوره به خصوص ساقی‌نامه محمدباقر خرده را با نگارگری این دوره مورد بررسی قرار دارد.

در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثار متعددی به بررسی ساقی‌نامه‌ها در دوره صفوی پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «بررسی ساختار ساقی‌نامه‌های عصر صفوی» به قلم موسی‌پور و فرزوی (۱۳۹۶) به رشته تحریر در آمده است. در این اثر نویسندگان به بازشناسی چگونگی و ماهیت ساقی‌نامه‌ها در دوره صفوی و مضامین آن‌ها پرداخته‌اند. مقاله‌ای دیگر با عنوان «نقد و بررسی ساقی‌نامه‌های عصر صفوی» نوشته ظهیری و فرزوی (۱۳۹۲) به بررسی درون‌مایه‌های ساقی‌نامه‌ها در دوره صفوی پرداخته است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «تأملی بر ساقی‌نامه حکیم فغفور گیلانی» توسط ابوالقاسمی (۱۳۸۶) به رشته تحریر در آمده است. نویسنده در این اثر به بررسی ساقی‌نامه گیلانی به عنوان یک نمونه موردی از ساقی‌نامه‌های دوره صفوی پرداخته است و معرفت و حقیقت‌بینی، آزادگی و مناعت طبع و زهد از مضامینی است که او در این ساقی‌نامه به آن پرداخته است. می‌توان گفت: قدیمی‌ترین مقاله در این زمینه مقاله محمدجعفر محجوب با عنوان «ساقی‌نامه - مغنی‌نامه» در مجله سخن است. (محجوب، ۱۳۳۹: ۷۹-۶۹) مقالات دیگر عبارتند از: «ساقی‌نامه در ادب فارسی» (زرین چیان، ۱۳۵۵: ۵۸۶-۵۷۱) «مقایسه ساقی‌نامه خواجه‌جو با ساقی‌نامه حافظ» (امیری، ۱۳۷۰: ۳-۱۶) «ساقی‌نامه و مغنی‌نامه» (حدادی، ۱۳۸۹: ۳۷-۲۷)؛ همچنین کتاب «ساقی‌نامه در شعر فارسی» از محترم رضایی، کتاب «ساقی‌نامه‌ها» نگرشی به ساقی‌نامه‌ها در ادب فارسی همراه با شرح حال مختصر ساقی‌نامه سرایان و اشعار آنان، از سیداحمد حسینی‌کازرونی، در این زمینه تألیف شده است. اما هیچ یک از آثار مذکور به تبیین و شناخت ویژگی‌های ساقی‌نامه‌ها نپرداختند؛ همچنین ساقی‌نامه مولانا محمد باقر خرده تاکنون به صورت کامل در دسترس نبوده و موضوع تحقیقات پیشین قرار نگرفته است. بنابراین در مطالعات انجام شده تاکنون به ساقی‌نامه محمدباقر خرده و تطبیق محتوای آن با نگارگری دوره صفوی پرداخته نشده است، لذا پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به بررسی تطبیقی محتوای ساقی‌نامه محمدباقر کاشانی با ساقی‌نامه‌های دوره صفوی و نگارگری دوره صفوی پرداخته است.

۱. پیشینه و مختصات ساقی‌نامه

ساقی‌نامه شعری است که شاعر در آن از ساقی به گونه‌های مختلف و به‌طور مکرر با وصف‌های متفاوت، درخواست «می» می‌کند؛ از «می» و ویژگی‌هایش می‌گوید، پس از آن متوجه مغنی (مطرب) می‌شود و از او سرودی مناسب حال خود و بزم می‌خواند طلب می‌کند، سخن از روزگار و بد عهدی آن می‌گوید. در این نوع شعر، شاعر در بزم و مهمانی واقعی یا خیالی به توصیف می و میخواران می‌پردازد. در چنین زمانی طبعش شکوفا می‌شود و مروارید سخن را به رشته می‌آورد. با این توصیف، ساقی‌نامه «نوعی» است با موضوعیت می و میخانه و هر آن چه مربوط به این موضوع است. از نظر گلچین معانی «ساقی‌نامه‌ها را می‌توان به دو دسته «وابسته» و «مستقل» تقسیم کرد. نخستین ساقی‌نامه وابسته، سروده نظامی گنجوی در قالب مثنوی و نخستین نمونه مستقل، سروده فخرالدین عراقی و در قالب ترجیع بند است و از آنجا که عراقی سالیانی از عمر خود را در هندوستان به سر برده، در سرایش ساقی‌نامه، حلقه اتصال میان ایران و هند به‌شمار می‌رود» (گلچین معانی، ۱۳۸۴: ۱). همچنین فخرالزمانی در تذکره میخانه می‌نویسد: «هر چند ساقی‌نامه به وزن‌ها و در قالب‌های دیگر (همچون ترجیع‌بند عراقی، وحشی بافقی، باقرخرده و رباعیات پیوسته اهلی شیرازی) هم دیده می‌شود، در اصل «ساقی‌نامه آن نظم مخصوصی است که به‌صورت مثنوی و در بحر متقارب گفته می‌شود» (فخرالزمانی، ۱۳۹۰: ۳۱). ذبیح‌اله صفا نیز می‌گوید: «ساقی‌نامه به معنی مشهور و متداول آن به بحر متقارب مثنی یا محذوف می‌داند». (صفا، ۱۳۶۶: ۶۱۹). با در نظر گرفتن استثنایها و با توجه به نمونه‌های فراوان، ساقی‌نامه در قالب مثنوی و به بحر متقارب مثنی یا محذوف یا مقصور (فعولن، فعولن، فعلون، فعل) است. دیگر ویژگی‌های عبارتند از: مخاطب قرار دادن ساقی و مغنی (مطرب)؛ بسامد بالای واژگان میخانه‌ای؛ توصیف می و میخانه؛ اشاره به بی‌ثباتی عالم؛ شکایت از روزگار و اهل روزگار؛ بیان حال و اظهار اندوه و رنج خویش؛ گریزگاه و بی‌گاه به ممدوح؛ آوردن تلمیحات فراوان اساطیری، تاریخی، دینی؛ توصیف بهار و در نهایت قسیمه و سوگند.

منشاء ساقی‌نامه‌ها، ابیات خمیه در آیین و ادبیات مردم عرب بوده است (مؤتمن، ۱۳۴۶؛ ۲۲۴) که با رمز کمال همنشینی به فرهنگ و ادب همسایه پارسی زبان خود سرایت می‌کند و در مراحل آغازین به همان سبک و رویه سابق در شعر سرزمین ما می‌نشیند و شاعرانی چون رودکی، بشار و منوچهری خمیه‌هایی از همان دست که شاعران عرب سروده بودند، طبع آزمایی می‌کنند (صفا، ۱۳۷۸: ۹۳/۲). بررسی پیشینه ساقی‌نامه به عنوان یک نوع ادبی در گذشته این نکته را روشن می‌کند که این نوع شعر هر چند به عنوان یک قالب مشخص مرسوم نبوده است؛ اما مضامین شعری این گونه ادبی در شعر شاعران بزرگ نیز آمده است. «سیر تاریخی ساقی‌نامه با فردوسی شروع می‌شود، استاد طوسی با پراکندن ابیاتی چند در برخی از داستان‌های شاهنامه این‌گونه ادبی را بنیاد می‌افکند» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل ساقی-نامه) سپس نظامی در قرن ششم، آن را پی‌گرفته و در شرفنامه، پیش از آغاز هر بخش از داستان‌هایش، دو بیت با موضوع ساقی‌نامه می‌سراید. اما دکتر محمد جعفر محجوب بر این باور بوده است که «بعد از فردوسی و قبل از نظامی، فخرالدین اسعد گرگانی، به ساقی‌نامه‌سرایی پرداخته و غیر از مثنوی معروف خویش (ویس و رامین) مثنوی دیگری در بحر متقارب داشته که اکنون نشانی از آن نیست، اما در فرهنگ جهانگیری برخی از بیت‌های آن به عنوان شاهد مثال آورده شده است» (محجوب، ۱۳۳۹: ۷۹-۶۹). پس از نظامی و به شیوه او، امیر خسرو دهلوی در آئینه اسکندری و خواجوی کرمانی در همایون و سپس عراقی و سلمان ساوجی به سرایش ساقی‌نامه پرداختند تا حافظ با یک نوآوری پای به میدان نهاد. «کار بی‌سابقه حافظ این بود که ساقی‌نامه را که تا قبل از او آغاز داستان‌ها آورده می‌شد و در واقع وجودی وابسته داشت، به‌طور مستقل وارد شعر کرد» (فخرالزمانی، ۱۳۶۷: ۱۴۸) و... تا این که در پایان دوره

تیموریان و آغاز صفویه و نیز در تمام بازه زمانی قرن دهم، ساقی‌نامه‌سرایی خیز برداشت و به بالاترین حد سرایش رسید. «وحشی بافقی، حکیم پرتوی، نوعی خوبشانی، ظهوری ترشیزی، میررضی آرتیمانی، از جمله معروف‌ترین ساقی-نامه سرایان این زمان هستند» (دهخدا، ۱۳۷۳؛ ذیل ساقی‌نامه).

ساقی‌نامه را به علت ذکر باده و جام، با سایر اشعار خمربه، مناسبتی است، اما دو شرط، این که مثنوی باشد و در بحر متقارب سروده شود، این شعر را نوع خاصی در میان اشعار فارسی قرار می‌دهد و نیز روح خاص فلسفی و اخلاقی و عرفانی این نوع منظومه‌ها، با مضامین عادی سایر خمربیات تفاوتی آشکار دارد. «اما خمربه به اشعاری اطلاق می‌شود که شاعران در آن از موضوع‌هایی مانند ساقی و ساغر و مینا و جام و سبو و میکده و می فروش و دختر رز و تاک و محتسب و صبحی و فصل گل و شکستن توبه و حریفان مخمور و نعره مستانه و به‌طور کلی از می و میگساری، گفتگو می‌نماید» (مؤتمن، ۱۳۴۶: ۲۲۴). ساقی‌نامه‌ها که در بردارنده مفاهیم و مضامین بزرگ عرفانی‌اند از این جهت اهمیت دارند که می‌توان اندیشه‌ها و نگرانی‌های شاعر را میان ابیات آن کشف کرد. با این توصیف ساقی‌نامه یکی از انواع ادبی است با موضوعیت می و میخانه و آن چه که به این حوزه مربوط می‌شود. مستی و خماری و صحو و سکری که شاعر طلب می‌کند دارای ویژگی‌های خود است. چگونگی ساخت باده، مکان‌هایی که باده در آن‌ها ساخته می‌شود، و حتی جام و پیمان‌های که می در آن ریخته می‌شود، خواص و معجزاتی دارند برخاسته از ذهن شاعر، و ساقی تنها عاملی است خیالی که باید سفارش شاعر را به نزد او آورد. برای مثال در بررسی ساقی‌نامه‌ها به توصیف انواع شراب بر می‌خوریم که هریک از نظر طعم و رنگ و خاصیتی که دارند با دیگری متفاوت می‌باشند.

«در ساقی‌نامه شاعر ساقی یا مغنی را خطاب قرار می‌دهد و در قالب درخواست‌ها و تمناهایی از او مانند گرداندن باده و خواندن سرودی دیگر، با او به سخن می‌نشیند، این اشعار که از لطیف‌ترین و سوزناک‌ترین اشعار فارسی هستند به بیان مسائل فلسفی نزدیک به اندیشه‌های خیامی چون اغتنام فرصت و دریافتن دم، به گذر سریع عمر و گذرایی دنیا می‌پردازد و با یادآوری تلخی مصائب اجتماعی از ساقی می‌خواهد، با آوردن شراب لحظه‌ای او را از محنت این خردورزی دور سازد» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۵۹).

۲. ساقی‌نامه‌ها در دوره صفویه

از اواخر قرن نهم هجری به بعد، به خصوص در دوره صفویه، این نوع شعر در میان شاعران ایرانی و فارسی‌گوی هندی با اقبال بیشتری نسبت به گذشته رو به رو گردید تا آنجا که بسیاری از شاعران صاحب نام آن روزگار، همچون وحشی بافقی، عرفی شیرازی و نیز مولانا محمد باقر خرده کاشی هم بدان روی آوردند و اغلب شاعران در این زمینه طبع آزمایی کردند (صفا، ۱۳۷۳: ۱۵/۶۱۵). با توجه به مهاجرت شمار چشمگیری از شاعران این دوره به هند، بسیاری از ساقی‌نامه‌ها را شاعران مهاجر و برخی دیگر را پارسی‌گویان آن دیار سروده‌اند. «از مجموع پنجاه و نه ساقی‌نامه از پنجاه و هفت شاعر، مندرج در تذکره میخانه و حواشی و لاحق آن، سی و شش ساقی‌نامه سروده شاعران مهاجر و پنج ساقی‌نامه، زاده طبع پارسی‌گویان هند است. از شصت و شش ساقی‌نامه مذکور در تذکره پیمان (ذیل تذکره میخانه) نیز بیست و یک ساقی‌نامه را شاعران مهاجر و شش ساقی‌نامه را هم شاعران پارسی‌گوی آن دیار سروده‌اند» (عبدالباقی نهایندی، ۱۹۳۱-۱۹۲۴: ۳/۶۵۶). این میزان از توجه، موجب شد تا ساقی‌نامه‌ها از قرن دهم به بعد، به عنوان یک نوع ادبی پر طرفدار در شعر فارسی مورد توجه شاعران قرار گیرد و این دوره به‌طور واقع، دوره تثبیت و ترویج و رشد ساقی‌نامه در شعر فارسی است. «پس از این سده، شاهد خواب این گونه شعری هستیم؛ به‌گونه‌ای که در دوره‌های افشاریه و زندیه فروغ چشمگیری از آن دیده نمی‌شود. در دوره فتحعلی‌شاه در عصر مشروطیت، ملک الشعرای بهار در

این راه گام نهادند. در دوران پهلوی نیز ساقی‌نامه معروف، از آن هوشنگ ابتهاج است و سرانجام در روزگار فعلی، حضرت امام خمینی(ره) بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی دارای ساقی‌نامه می‌باشند» (میرصادقی، ۱۳۷۳: ۱۲۳).

یکی از معایب بزرگ صفویان باده‌گساری آن‌هاست، حتی آن‌هایی که شراب را در قسمتی از مدت فرمانروایی خود منع کرده بودند. ایرانیان با گسترش اسلام یک‌باره از شوق دیرینه‌ای که به باده داشتند، قطع نظر نکردند و این عادت در دستگاه‌های فرمانروایی شاهان و امیران و دیگر صاحبان قدرت رواج و روایی بسیار داشت، اما در طول تاریخ به نام فرمانروایانی بر می‌خوریم که به سبب اعتقاد دینی و یا به علت‌های دیگر از نوشیدن شراب پرهیز می‌کردند. پادشاهان صفوی که هر یک عنوان مرشد کامل و دعوی ریاست دینی داشتند، ناگزیر می‌بایست هیچ‌گاه گرد این منکر نگردند، ولی آنان نه تنها چنین نکردند، بلکه دوران فرمانروایی‌شان یکی از دوره‌های رواج باده‌گساری و رونق شراب‌خانه‌ها و خرابات بوده است. مضامین و محتوای ساقی‌نامه‌ها اغلب شبیه به هم هستند که از بخش‌های گوناگونی تشکیل می‌گردد که هر بخش از آن دارای موضوع واحدی است.

۳. ساقی‌نامه مولانا محمدباقر کاشانی(خرده)

مولانا محمدباقر کاشانی(خرده) از شعرای نیمه دوم سده دهم و نیمه نخست سده یازدهم هجری است. وی به سال ۱۰۳۸ ق در هند، در گذشته است. چنان‌که از نسب او بر می‌آید، در کاشان متولد شده است و در زمینه‌های مختلف از محضر استادان بنام بهره برده است؛ از آن جمله در شعر، شاگرد محتشم و در خط شاگرد میر معزالدین کاشانی بوده است و در همان آغاز جوانی عاشق پسر میراحمد کاشی شد و به خاطر معشوق به آیین محمود پساخانی (آیین نقطویان) در آمد، به همین سبب مورد خشم شاه عباس قرار گرفت، ولی با سرودن قطعه‌ای در مذمت محمودیان بخشیده شد و سرانجام از راه فارس و هرمز، به هندودکن رفت. ابتدا مدتی در احمدنگر در خدمت برهان نظامشاه بحری ماند، اما پس از فوت ایشان، ابراهیم عادلشاه، محمدباقر خرده را به دربار خویش خود فراخواند که بدین ترتیب او در سال ۱۰۲۸ ق در بیجاپور وارد دربار عادلشاه شد. پس از آن به بنگاله رفت و عزم سفر حج کرد و در پایان در برهان پور از دنیا رفت (تذکره میخانه، ۱۳۹۰: ۶۱۴). باقر خرده در اصل غزل‌سرا و قصیده‌پرداز است، ولی در قالب‌های مثنوی، ترکیب بند، ترجیح‌بند و رباعی هم اشعار ارزشمند سروده است، و در عین حال، یکی از کامل‌ترین و مفصل‌ترین ساقی‌نامه‌ها در قالب ترجیح‌بند و مثنوی را دارد.

ساقی‌نامه باقر خرده کاشانی مطابق نسخه موزه سالار جنگ حیدرآباد هند (۱۹۸۴م) ۳۸۹ بیت است و مطابق تذکره میخانه ۴۸ بیت از ساقی‌نامه باقر خرده در میخانه ثبت شده است. «ساقی‌نامه او در مدح شاه‌عباس اول و منقبت ساقی کوثر سروده شده است و مشتمل بر ۱۹۳ بیت است» (فخرالزمانی، ۱۳۹۰: ۶۱۴، ۶۲۷). ساقی‌نامه ۱۹۳ بیتی، «تمام آن مثنوی از بیاض الله‌وردی‌بیگ است، و تاریخ تحریر این بیاض ۱۰۷۵ و متعلق است به کتابخانه دوست دانشمند استاد سخن آقای محمود فرخ خراسانی که به درخواست اینجانب از مشهد به تهران ارسال فرمودند» (فخرالزمانی، ۱۳۹۰: ۶۲۱).

۴. نگارگری دوره صفوی

وضعیت نگارگری در دوره صفوی حاکی از وجود مرحله‌ای از رونق و شکوفایی در این دوره تاریخی است. مکتب نگارگری صفوی وارث مکتب هرات بود. مکتب هرات با حمایت سلطان حسین باقرا(۸۷۴-۹۱۱ق) به اوج شکوفایی

خود رسید. شاه اسماعیل اول، پس از شکست از بکان، بهزاد را که یکی از بزرگان مکتب هرات بود با خود به تبریز برد. او سرپرستی گروهی از هنرمندان را بر عهده گرفت و مکتب تبریز را در نقاشی پایه‌گذاری کرد. تحولات نگارگری دوران صفوی به مرور ظاهر شد. از میان این ویژگی‌ها می‌توان به کاهش جهان سه بُعدی به دو بُعدی و بهره‌گیری از تدابیر مختلف برای اجتناب از مشکلات حاصل از آن، کاربرد مطمئن و استادانه رنگ‌های موزون و پرکردن هر سانتی متر از زمینه با پرندگان، حیوانات، درختان و تصاویری که نشان‌دهنده رویدادی افزون بر رویداد اصلی تصویر است. آسمان طلایی، سروهای سبز تیره در برابر درختان با شکوفه‌های سفید، شاخ و برگ پائیزی، آب نقره فام، اسب‌های ابلق در صحرای زردرنگ، گروه‌های مردم در جامه‌های سرخ و قرمز تند و نیلی، کاشی‌های منقش و نقاشی‌های زیبای روی گچ، باغ‌های آفتابی در پشت پرچین‌های باریک از جمله این ویژگی‌ها است (سیوری، ۱۳۸۰: ۱۲۶-۱۲۵).

واقع‌گرایی یکی از ویژگی‌های بارز نگارگری این دوره است. کمال‌الدین بهزاد توجه جدی به جهان واقعی داشت. بنابراین در همه نقاشی‌هایش، انسان‌ها، حیوانات، صخره‌ها و کوه‌ها از خصلت‌های خاص خودشان آکنده‌اند. حالت‌ها، قیافه‌ها و رنگ چهره‌ها را تنوع بخشید، طبیعت و معماری را به مکان فعل و عمل آدم‌ها بدل کرد و در این محیط برای هر پیکر جایی مناسب در نظر گرفت (پاکباز، ۱۳۸۴: ۸۲). یکی از ویژگی‌های نگارگری‌های این دوره این است که از دوره شاه عباس به بعد، این تصاویر مختص به نسخ خطی نیستند بلکه تک ورق‌هایی هستند که به منظور قرار دادن در آلبوم‌های طبقات سلطنتی و اشرافی یا احتمالاً برای فروش به اشخاص طبقات پایین‌تر کشیده شده‌اند. محتوای مذهبی و نیمه مذهبی در این دوره رواج یافت (سیوری، ۱۳۸۰: ۱۲۸).

طبیعت‌گرایی نیز یکی از مختصات نگارگری در این دوره است. صحنه‌های درخت، گل، پرندگان و حیوانات تبدیل به یکی از ارکان ثابت نگارگری در این دوره گردید. این نقاشی‌ها مستل از هر گونه متن یا موضوع خاصی بودند. مطمئناً تا قبل از این دوران، گل و مرغ را فقط از این جهت که گل و مرغ را نشان بدهند، نمایش نمی‌دادند و تصویر حیوانات و گل‌ها در کنار تصاویر روایی و در حاشیه موضوعات اصلی کشیده می‌شد. نگارگرانی چون محمد شفیع، بیشتر به گل و مرغ می‌پرداختند. نوع طراحی رضا عباسی، در به نقش‌اندازی پرندگان بر روی صخره‌ها و دیگر نقوشی چون زنبورها و پروانه‌ها در کنار ساقه‌ها شیوه نوین در نگارگری این دوره بود. از دیگر موضوعات جدید در نگارگری این دوره باید به پردازش تک چهره‌ها و شخصیت‌ها، صحنه‌های زندگی روزمره، صحنه‌های خلوت، عوامانه، رقص‌های مضحک و غریب، مردان و زنان در زندگی روزمره، موضوعات سنتی به شیوه ناتورالیسم اشاره کرد (کریمیان، ۱۳۸۶: ۸۳).

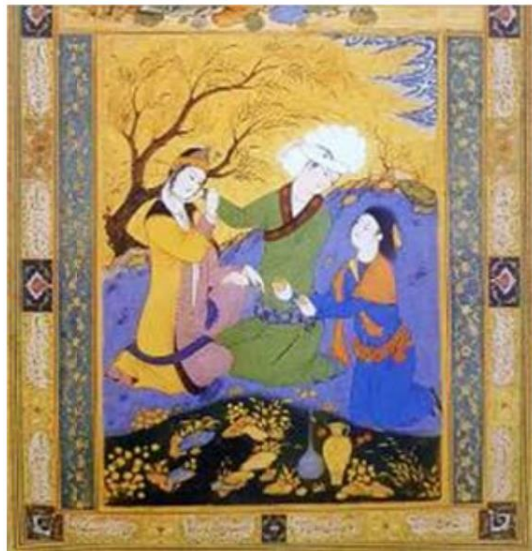
۵. تطبیق محتوای ساقی‌نامه محمدباقر خرده با نگارگری دوره صفوی

ما در این مقاله نسخه موزه سالار جنگ را اساس کار خود قرار داده‌ایم. این ساقی‌نامه شامل بخش‌های مستقل با این عنوان‌هاست: مقدمه (براعت استهلال)، در تعریف بهار، در تعریف می، در شکایت روزگار، در حکایت انسان دیوانه، ایضا در صنعت می، در نسبت خویش، در صنعت منشیان، قطعه، حکایت خضر و عارف، قطعه مرغ، قطعه ماهی، در شکایت اخوان، قصه موش و گربه، پند و روایت، مدح پیامبر و علی،^(۴) در مدح شاه‌عباس، توبه‌نامه، حکایت، قسم‌نامه، خطاب به ساقی، خطاب به مغنی. ساقی‌نامه محمدباقر خرده، علاوه بر برخورداری از مایه‌های اصیل و استوار شاعرانه و در حد خود از استحکام لفظ و معنی، در چند مورد نیز کاملاً نوآورانه است؛ از جمله مقدمه زیبایی در بیان شام، در حکایت انسان، آوردن قطعه مرغ، ماهی و موش، در شکایت اخوان، بیان پند و روایت، بیان عشق و توصیفات بسیار زیبایی از بزم می‌خوران است.

وی شب را به زیبایی می‌سراید؛ در مقدمه ساقی‌نامه برای رهایی از شب که مطلوب شاعر نیست، دست به دامان میخانه و خم می‌شود، و گویی برای تغییر ذائقه خود و مخاطب و رفع ملال ناشی از شب و دلتنگی، همچون نوازنده‌ای نغمه دیگر ساز می‌کند، و در حالی در وصف باده خطاب به ساقی می‌گوید:

شبم تیره شد روشنایی کجاست	شکسته دلم مومیایی کجاست
دلی دارم از درد ناسازتر	شبی دارم از ناله غماز تر
شبی از درازی چو روز شمار	سفید اندرو دیده انتظار...
در آن شب که چون روز من بود تار	به ظلمات میخانه کردم گذار...
در این تیره شب راه گم کرده‌ام	توجه به درگاه خم کرده‌ام

(دیوان باقرخرده، نسخه هند، ب ۵۸-۵۹)



تصویر ۱: عشاق در صحرا، اثر رضاعباسی (مأخذ: کنبی، ۱۳۸۹: ۹۰).

تصویر شماره ۱ به عنوان یکی از نگاره‌های دوره صفوی روایتگر مضمون عشق است. مضمونی که در ساقی‌نامه‌های دوره صفوی و ساقی‌نامه محمدباقر خرد نیز دیده می‌شود.

ساقی‌نامه باقر دارای دو بخش است:

- ۱- بخش‌های مشترک با ساقی‌نامه‌های دیگر مانند وصف باده، می، بهار، شکایت روزگار...
- ۲- بخش‌های غیرمشترک با ساقی‌نامه‌های دیگر مانند مقدمه و وصف شب، ذکر نسب خویش، شکایت از اخوان و حکایت‌هایی در خلال ساقی‌نامه که از ویژگی‌های خاص این اثر است. مهم‌ترین موضوع‌های قابل تحلیل در ساقی‌نامه باقر خرده بدین ترتیب می‌باشد.
- ۳- در نسب خویش، یاد کردن افتخارات ملی گذشته: اقتدار و عظمت ایران باستان، به دو شکل در ساقی‌نامه‌ها بازتاب یافته است،

الف: آن قدر قدرتی و شکوهی از دست رفته شاعر مآل‌اندیش و آسمانی نگاه را به یاد کوتاهی عمر، گذر شتابناک جهان گذران، بی‌ارزشی جهان فانی و... می‌اندازد، تا سوز نا‌کانه ناله بردارد و از ساقی باده‌ای بطلبد که دمی به کار دل ریش آید و به غنیمت، روزگار مانده را به سر برد.

ب: از دست رفتن یکپارچگی نظام حکومتی در کشور و آن شکوه و شوکت و قدرت دیرین روزگار باستانی، همواره یاد کردی تحسّرآمیز، و آنچه که امروزه نوستالژی می‌گویند، در اشعار ساقی‌نامه باقر خرده با سوزناک‌ترین نغمه‌ها بیان شده است.

بیا ساقی آن دختر بی پدر	که از مادر تاک شد جلوه‌گر
به من ده کز آن صلب‌ها پی کنم	نسب‌نامهٔ جمله را طی کنم...
سخن‌های رنگین خط عنبرین	نسب نامهٔ رستم اینک ببین...

(همان / ب ۶۴)

- قطعه:

هدف باقر از بیان حکایات و قطعه، برای سرگرمی خواننده نیست بلکه آن‌ها را با هدف پند و عبرت مخاطبان به طور منظم و حساب شده در قسمت‌های مختلف ساقی‌نامه آورده است.

یکی مرغ دیدم که در رهگذر
به صیاد گفت ای خدا بیخبر...

(همان / ب ۶۶)

- باده خواهی:

ضرب آهنگ تکراری در سراسر ساقی‌نامه باقر خرده، درخواست شاعر از ساقی است برای باده‌خواهی، باده‌هایی که هریک به کاری می‌آیند. این باده‌ها در سراسر ساقی‌نامه باقر فراوان و رنگارنگ اند، چه شاعر بسته به مذاق و علاقه خویش که می‌تواند هم از روح و روحیهٔ او برآید و هم پرتوی از مسائل جامعه‌اش باشد، باده‌ای خواسته که شاید در دیوانش یا دیوان دیگری یافت نشود. باقر در ساقی‌نامه‌اش انواع شراب را با این عناوین در خواست می‌کند. «می تلخ، شیشهٔ مشرق، صبح مستان، قبلهٔ می‌پرستان، آب حیوان، صورت جان، آب آتش بخار، آتش آبدار، جان پاک، لعل ناب، جوی خون، دختر بی‌پدر، شراب انار رنگ، می ناب، آب انگور، نور شراب، می خوشگوار، اصل معاش، مایهٔ بی‌غمی، آب شراب، تیغ زبان، آب خضر، شراب طهور، آب شفاعت، می مفلس، آب نابخردی، شراب وصال، می توبه، می لاله‌گون و...». باید دقت داشت که باده خواهی مفهومی مطلق است و شاعر با توجه به استعداد، هنر، اندیشه و دلبستگی‌های خویش، باده‌ای متناسب طلب کرده، یا دارویی متفاوت از دیگران برای بیماری‌های معنوی خود و جامعه‌اش از ساقی می‌خواهد؛ و مهم‌ترین نکته، زبان بافی در ساقی‌نامه است؛ چنان‌که هجو، هزل و به ویژه زشت‌گویی در این‌گونه شعر راه نمی‌یابد. تصویر زیر نمایی از زندگی روزمره در دوره صفوی است که تفریح را به تصویر کشیده است.



تصویر ۲: گلگشت با اشراف زاده، اثر رضاعباسی. (ماخذ: کنبی، ۱۳۸۹: ۹۲)

۱.۵. ویژگی‌های زبانی ساقی‌نامه

ترکیب‌سازی و آوردن ترکیب‌های اضافی و وصفی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی ساقی‌نامه باقر خرده است. گاهی هر دو مصراع یک بیت را صفات فاعلی مرکب یا ترکیب‌های وصفی و اضافی تشکیل داده است. که همین مسئله صور خیال شعر را نیز تحت تأثیر قرار داده و به خود مربوط کرده است، تا آن‌جا که استعاره‌ها و تشبیه‌های این شعر را اغلب در واژه‌های مرکب یا ترکیب‌های اضافی و وصفی می‌توان دید: خشکی زهد، دانه سبحة، لب خشک نی، آتش اندر جگر و... در توصیف ساقی و سوگندنامه ترکیب‌های زیبایی وجود دارد. از این‌گونه ترکیب‌ها (قبله ساقی، نوروادی ایمن) در سراسر ساقی‌نامه باقر خرده فراوان است و او به خوبی از ظرفیت ترکیب‌پذیری و ترکیب‌سازی زبان فارسی استفاده کرده و از این کار به ویژه با ترکیب‌هایی که یک جزء آن تلمیح است، نهایت بهره را در مضمون‌سازی و معنی‌آفرینی برده است؛ برخی از این ترکیب‌های تلمیحی از این قرارند: یوسفان کواکب، شهپر جبرئیل، خم فلاطون، رشک وادی ایمن، خون سیاوش، خانه جم، آب حیوان، نسب‌نامه رستم، زلیخای فکر، میخانه کعبه، چشمه سلسبیل، پرواز جبرئیل، موی حبش، خضر مبارک قدم، حسرت سکندر، دور آخر زمان، آتش طور، شهنشاه جم جاه، فتح روم و زنگ، قلم در کف موسی، ساقی کوثر، شراب طهور، طغرای توبو الی الله، دار عبرت منصور.

ز من زاید اکنون سخن‌های بکر که گشتم قرین زلیخای فکر

(همان/ ب ۶۴)

به هم بر زند ریزشش عالمی چو خون سیاوش نخسبد دمی

(همان/ ب ۶۰)

طبیعی است که پر بسامدترین ترکیب‌ها و واژگان در این ساقی‌نامه واژگان و ترکیب‌های «میخانه - ای» است از قبیل: پیرخرابات، رند، میخانه، می، باده، شراب، مطرب، ساقی، مست، خم، صبحی و... جالب این است که باقر خرده به جای «مغنی» - جز چهار مورد- از «مطرب» استفاده کرده؛ یعنی خطابش با مطرب است و این امر نشان می‌دهد این کلمه که از محاوره گرفته شده در زبان او رفته رفته جای مغنی را گرفته و احتمالاً تازه‌تر و قابل فهم‌تر از «مغنی» تلقی می‌شده است.



تصویر ۳: نگاره رستم از مرگ می گوید، منسوب به عبدالعزیز. شاهنامه طهماسبی، موزه هنرهای زیبا.

۲.۵. ویژگی ادبی ساقی‌نامه

ساقی‌نامه محمدباقر خرده بسیار پر تلمیح است و هر چند تلمیحات، آمیخته‌ای از عناصر ایرانی و غیر ایرانی است، غلبه با تلمیحات غیر ایرانی به ویژه تلمیحات دینی است، سیاوش، جم، جام جم، رستم، اسکندر، شاه‌عباس، افلاطون، جبرئیل، زلیخا، کعبه، خضر، موسی، محمد(ص)، دلدل، ذوالفقار، ساقی کوثر، شراب طهور، مور، رودنیل، منصور، آتش طور، قرص مه را دو نیم، دور آخر زمان و... استفاده کرده است.

سر چاه مشرق گرفته به قیر در او یوسفان کواکب اسیر

(همان / ب ۵۸)

انواع تشبیه (اغلب به صورت ترکیب‌های اضافی) و انواع استعاره خصوصاً استعاره مکینه در ساقی‌نامه باقر خرده کم نیست. هم صدایی (تکرار مصوت) و هم حروفی (تکرار صامت) از آرایه‌های مورد توجه شاعر است.
تشبیه:

که گفته دلم زین جهان چون انار لبانت ز خون گشته انگور وار

(همان/ب ۶۶)

سیه کاسه همچو چشم هوس ملال‌آوری چون هجوم مگس

(همان/ب ۶۸)

استعاره:

که تن‌پروری خون دل خوردن است به چنگ اجل، بی اجل مردن است

(همان/ب ۸۰)

تکرار مصوت یا بهتر است بگوییم نغمه حروف یکی از ویژگی‌های شعر باقر خرده است که به فراوانی در اشعارش دیده می‌شود.

دلی دارم از درد ناسازتر شبی دارم از ناله غمازتر

(همان/ب ۵۸)

تکرار و جناس، که اغلب جناس‌ها، هم قافیه هستند و هم جناس، چه از نوع تام و چه دیگر انواع جناس، تضاد و تقابلی، جناس در محور عمودی و جناس و تضاد، که معمولاً با مقایسه کردن و مقابل آوردن کعبه با میخانه و خرابات و دیر مغان، عاقلی با مستی، خرابی یا آبادی، پیر با زاهد و ناصح و... صورت گرفته، از دیگر عناصر بدیعی ساقی‌نامه باقر خرده است.

تضاد:

بده ساقی آن آب آتش بخار بده ساقی آن آتش آبدار
که من در تمنای آن لعل ناب چو آبم در آتش چو آتش در آب

(همان/ب ۶۳)

جناس در محور عمودی:

اگرچه سر خود ز چنگش رهاند ولیکن دُمش در دم گربه ماند
ز سر مانده سالم نه دم برقرار از آن لاف بی جا بسی شرمسار

(همان/ب ۷۹)

جناس و تضاد:

شما را گواراست آن نیش و نوش

شنیدم که می‌رفت و می‌گفت موش

(همان/ب ۷۹)

۳.۵. ویژگی‌های فکری ساقی‌نامه

اگر چه در غزلیات محمدباقر خرده، عرفانی از نوع عرفان حافظ دیده می‌شود؛ ولی برداشت‌های عارفانه ساقی‌نامه محمدباقر خرده مقرون به درستی نیست؛ یعنی عارفانه بودن برداشت‌های شاعر مثلاً از می و میخانه و ساقی، نمی‌تواند درست باشد. به‌عنوان عناصر سازنده سبک، حضور تلمیحات غیردینی (اساطیری و تاریخی) در مقابل تلمیحات دینی، خود، بیانگر این مطلب است که ساقی‌نامه باقر خرده به‌ویژه در خصوص عناصر میخانه‌ای، رنگ عرفانی ندارد، و یا حداقل دریافت‌های عمیق‌تر و رندانه‌تر و البته شاعرانه‌تری از این مقوله‌هاست. هرچند باقر خرده در توحید پروردگار و منقبت پیامبر و علی (ع) ابیات فراوانی دارد، عناصری که نشان دهد. مثلاً «می» موصوف وی همان «می» معرفت و حقیقت است تقریباً در این ساقی‌نامه وجود ندارد.

می سرخ، کردست رویم سیاه
زهی! همچو می بی محابا شدم
قدم گشته خم زیر بار گناه...
ز می مفلس دین و دنیا شدم

(دیوان باقر، ن هند، ب: ۷۲)

محمدباقر خرده به زهد و زاهد که احتمالاً رفتار و گفتارش با ریاکاری همراه است، نگاهی سخت بی‌باکانه، انتقادی و طنزآمیز دارد؛ به ویژه عیب‌جویی، ریا، غرور، عوام فریبی آن‌ها را به باد انتقاد تمسخرآمیز می‌گیرد و در مقابل از می‌فروش و اصحاب می‌خانه تمجیدها می‌کند؛ از این منظر بی‌شباهت به حافظ نیست.

به خشکی زهد اندرین ترهوا
کند دانه سبچه نشو و نما

(دیوان باقر، ن هند: ب، ۶۰)

فتد زهد را نام او گر به چنگ
زند بر زمین شیشه نام ننگ

(همان/ب ۷۰)

در شکایت از روزگار و نکوهش اهل آن از درخشان‌ترین بخش‌های ساقی‌نامه است - بسیار بی‌پرده سخن می‌گوید و روحیات و رفتار حاکمان و مردم زمان خویش را به خوبی بازتاب می‌دهد؛ از این نظر ساقی‌نامه محمدباقر خرده بسیار معتنم است.

- در شکایت از روزگار، جفای چرخ، شکایت از بخت، بی‌ارزش بودن دنیا، خود را از دست دنیا رهانیدن و بی‌ارزش بودن جاه و مقام دنیا، دست به دامان ساقی و «می» می‌شود:

به خونم فلک همزبان تو شد
چنان هست در بند آزار من
جهان بر دلم چون زبان تو شد
که برعکس خواهش کند کار من...

(همان/ ب: ۶۰)

ساقی‌نامه‌های مفصل، به طور معمول بخش قسیمه (سوگندنامه) مستقل نیز دارند و شاعر پس از آن که خداوند را به بزرگان دین و دیگر مقدسات و گاه به پیرمغان و عاشقان و عناصر و اسباب میخانه و اهل آن سوگند می‌دهد، برای خود و گاه برای دیگر اصحاب میخانه و در نهایت برای ممدوح دعا هم می‌کند، اما سوگندنامه محمدباقر خرده سه ویژگی و تفاوت عمده دارد که آن را برجسته می‌سازد، نخست آن که یکی از طولانی‌ترین سوگندنامه در میان ساقی‌نامه‌هاست، به گونه‌ای که شاعر هشتاد بار، به هشتاد چیز خدا را سوگند می‌دهد؛ دوم اینکه شاعر دعای طولانی ندارد، فقط امید شفاعت در روز واپسین دارد؛ و سوم آن که وی خدا را در ابتدا سوگند نمی‌دهد، بلکه به ذات خداوندی سوگند یاد می‌کند، و ساقی (خداوند) را به زلف، عاشق، لب لعبت، مریض، طیب، خط و خال و لب شیرین زیبا رویان و به مطرب و رندان و... قسم می‌دهد؛ اما در پایان خدا را در یک بیت به پیامبر سوگند می‌دهد و بیت جواب این سوگندنامه شفاعت در روز محشر است.

الهی به اعزاز آل رسول
به دوزخ مکن گرم هنگامه ام

به صاحب تمیزان ردّ و قبول
به آب شفاعت بشو نامه ام

(همان/ ب: ۷۷، ۷۸)

نکته دیگر آن که، باقر خرده به جز دو مورد در ساقی‌نامه‌اش واژه «رند» را به کار نبرده است؛ اما این به آن معنا نیست که خود را رند نمی‌داند؛ زیرا او در ساقی‌نامه‌اش نگاه مثبتی به زاهد و زهد ندارد، ولی عارف و پیر مغان را به خوبی می‌ستاید، و اساساً اصرار دارد که خودش را در مقابل زاهد و ناصح، رند بخواند.

به خشکی زاهد در این تر هوا
کند دانه سبچه نشو نما

(همان/ ب: ۶۰)

بده ساقی آن اصل ادراک را
خرد؟ دشمن رند بی باک را

(همان/ ب: ۶۲)

در آخر اگر در ساقی‌نامه باقر خرده دقت کنیم، می‌بینیم که شاعر با توجه به روحیه، ذوق، زمانه و نوع به کارگیری زبان شعری و استعداد خود، به سرایش ساقی‌نامه پرداخته است. به همین جهت می‌بینیم که سیرکلی سرایش ساقی‌نامه باقر و عناصر موجود در آن همواره با ساقی‌نامه‌های دیگر یکسان است؛ با تفاوت‌هایی که ویژه و خاص شاعر است و ما با ترکیب‌ها و اصطلاحات خاص این نوع شعر رویارو هستیم (میخانه، می، خرابات، ساقی، ساغر و...) که شاعر این عناصر را با عناصر عمومی شعر در هم می‌آمیزد تا خواسته‌اش را بگوید. آن چه مهم است، مجازی بودن عناصر ویژه ساقی-نامه‌هاست، زیرا در صورتی که معنی حقیقی آن‌ها اراده شود، مفهومی جز خمریّه نخواهند داشت.

۴.۵. ویژگی‌های سبکی

محمدباقر خرده، شاعر دوره رواج سبک هندی (اصفهانی) است، و سال‌ها در هند در میان شاعران آن سرزمین زیسته و ساقی‌نامه خود را نیز در آن جا سروده است تا این منظومه از برخی ویژگی‌های سبک هندی خالی نباشد، تلمیحات فراوان، اغراق (به ویژه در توصیف شراب و ساقی)، پارادوکس و ترکیب‌های پارادوکسی همچون: آتش آبدار، میخانه

کعبه، روز سیاه، خشکی زهد در هوای تر، کاربرد واژه‌ها و ترکیب‌هایی که از مردم کوچه و بازار گرفته شده و تا پیش از دوره سبک هندی در شعر آورده نمی‌شد مثل: عینک، نزاکت، خمیازه و... از ویژگی‌های شعر اوست که در سبک هندی رایج بوده است.

وگر قطره‌ای زان می‌افتد به خاک	زمین را ز مستی کند سینه چاک
به هم بر زند ریزشش عالمی	چو خون سیاوش نخسبد همی
که گر من نشینم به بزم شراب	یه یکدم کنم خانه جم خراب

(همان/ب ۶۰)

گاه ساختار مصراع یا بیت از محاوره وارد شعر شده و اغلب قاعده گاهی (هنجار گریزی) سبکی ایجاد کرده است، به‌طور مثال، مصراع‌های دوم نمونه‌های زیر چنین ساختی دارند:

کسی را زمانه نشد دستگیر	ز صد من خمیرش مجو یک فطیر
-------------------------	---------------------------

(همان/ب ۶۵)

به خلق دو عالم در آمیختم	جهان سر به سر رفتم و بیختم
--------------------------	----------------------------

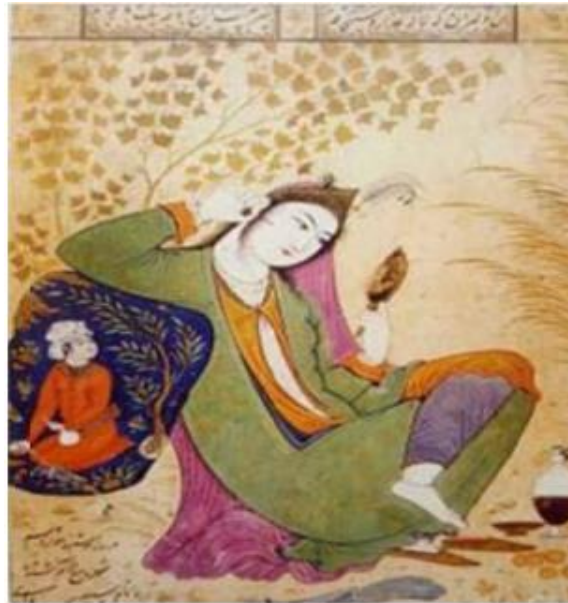
(همان/ب ۷۱)

البته گاهی در مضمون‌سازی به شیوه هندی سرایان سخنش اندکی پیچیده می‌شود و از آن جا که مثنوی بحر متقارب مثنی محذوف است و شاعر مجال کمتری برای مضمون‌سازی‌های عجیب و غریب دارد، لذا باقر خرده در شعرش مثل ظهوری هیچگاه دچار این تنگنای مبهم و پیچیده نمی‌شود.

لطفات در ایشان به حدی نهان	که بود اسمشان بر مسمی گران
طراوت عرق گشته بر رویشان	نزاکت شده رنگ بر مویشان...

(همان/ب ۶۴)

پیداست که دشواری‌ها و پیچیدگی‌ها به نسبت حجم ساقی‌نامه باقر خرده که عموماً ساده است؛ چندان به حساب نمی‌تواند آمد، ولی در کنار دیگر ویژگی‌هایی که نقل کردیم، بیانگر تعلق شاعر به دوره رواج سبک هندی (اصفهانی) است.



تصویر ۴: نگاره بانوی خیال‌پرداز، اثر رضا عباسی، (مأخذ: کنبی، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

نگاره شماره ۴ اثر رضا عباسی، انعکاسی از خیال‌انگیزی عشق در نظر هنرمند است. اشاره به یک نکته سبک‌شناختی در این بخش خالی از فایده نیست و آن این که گاهی باقر خرده به شیوه شاعران سبک عراقی در مقابل ساقی (که گاه گویی معشوق و مطلوب شاعر اوست نه شراب) خاکسار است و اغلب با تعبیر «رشک حور و پری» به او خطاب می‌کند و حتی خودش را عاشق و شیفته اندام ساقی می‌خواند:

بیا ساقی ای رشک حورو پری که از هر چه گویند زیباتری
همه جای از یکدگر خوبتر ز سر تا به پا و ز پا تا به سر
چه پستان چه سینه، چه بازو و چه دوش بود همچو شیری برآورده جوش

(همان/ب ۶۳)

اما چون به دوره دیگری تعلق دارد و تجربه «واسوخت» رادر شعر دیگران دیده این اظهار ارادت و خاکساری‌اش پایدار نیست و در مواردی شبیه شاعران وقوعی و از واسوخت، به ساقی گلایه می‌کند و لج می‌نماید اما تندی نمی‌کند او را با تعبیرهایی «مکن ساقیا آنقدر کوتهی، بیا ساقی ای از خدا بی خبر، مگو کی» مخاطب می‌سازد! این مسأله نشان می‌دهد که ساقی‌نامه باقر خرده خالی از عناصر و مایه‌های وقوع و واسوخت نیست و تماماً نمی‌تواند ساخته ذهنیات و تخیلات شاعر باشد، برخی ماجراها و توصیفات شاعر از بهار و میخانه و بزم شبانه و ساقی و دیگر لوازم آن دست کم مراتبی از واقعیات تجربه شده خود شاعر به‌ویژه در سرزمین هند است.

مکن ساقیا آنقدر کوتهی که از می کنی جام عمرم تهی...

(همان/ب ۶۲)

بده ساقی آن توبه فرمان می مگو کی، که بسیار دورست کی

(همان/ب ۷۳)

در مجموع جان کلام شاعر را در ساقی‌نامه از درون مایه‌های آن باید جست، تلاش شاعر برای تحوّل در وزن و قالب و نوع، حرکت بر بستر ظاهر است، تا نمایه‌های هنری و فکری خود را روشن تر و به زیبایی بنمایاند. شماره درون‌مایه‌ها فراوانند، در این قسم نیز شاعر، از تنوع فرو نایستاده و دامنه مفاهیم ساقی‌نامه به وسعت اندیشه و نوع نگرش او باز بسته شده است. شاعر هم به مفاهیم عرفانی و نیز به یاد افتخارات ملی گذشته کشورش و مسائلی از این قبیل بیت‌هایش را ماندگار کرده است.

۶. مقایسه ساقی‌نامه باقر

ساقی‌نامه محمدباقر خرده در قیاس با نمونه‌های برجسته دیگر (همچون آثار حکیم پرتوی و نوعی خبوشانی) بسیار پرشورتر و شاعرانه‌تر و رندانه‌تر و جسورانه‌تر است؛ به‌ویژه در مذمت روزگار و اهل روزگار و بیان نامرادی‌ها و نامردمی‌ها، بیان پند و نصیحت، از صراحت گفتار بیشتری برخوردار است. از این جهت و نیز از جهت استفاده مناسب از تلمیحات، حتی داشتن تلمیحات مشترک شباهت‌های زیادی به ساقی‌نامه نوعی خبوشانی دارد. در بررسی و مقایسه ساقی‌نامه مولانا محمدباقر خرده با ساقی‌نامه‌های مولانا نوعی، غیثای منصف، میرزا غازی وقاری، مولانا صحیفی، سنجر کاشانی، مولانا ملک قمی و ظهوری، تنها ساقی‌نامه سنجر کاشانی و ظهوری همانند ساقی‌نامه باقر خرده دارای قسمت‌های مختلف که بیانگر یک ساقی‌نامه است را می‌توان دید؛ با این تفاوت حکایت‌ها و پندنامه‌ها، سوگندنامه باقر خرده نیز باز هم با ساقی‌نامه‌های این دو شاعر متفاوت است و ویژگی‌های خاص خود را دارد. سوگند نامه سنجر در آغاز ساقی‌نامه آمده است و در این سوگندنامه ۲۲ بار سوگند یاد می‌کند ولی باقر خرده ۸۰ بار خداوند را سوگند می‌دهد و از او طلب بخشش دارد؛ اما در سوگندنامه ظهوری شاعر اصلاً دعا نمی‌کند، حتی برای خودش، و دیگر آنکه خدا را سوگند نمی‌دهد، بلکه ساقی را به خط وخال و لب شیرین زیبا رویان و به می و مطرب و رندان و... قسم می‌دهد تا دیگر با او قهر و ناز نکنند و هم کلام و همدمش شود! بیت جواب قسم این سوگندنامه در خطاب به ساقی است:

... که دیگر مکن بر نگاهت جفا به زنجیر نازش مفرسای پا

(تذکره میخانه، ۳۹۲)

نتیجه‌گیری

ساقی‌نامه‌ها یکی از پرشورترین اشعار شاعران، به‌ویژه شاعران دوره صفوی محسوب می‌شوند که تعریف و توصیفات متعددی از ساقی، باده و مغنی در خود جای داده‌اند. این نوع شعر در عصر صفوی مورد توجه و اقبال بسیاری از شعرای آن روزگار قرار می‌گیرد و رفته رفته شکل و شمایل یکسانی به خود می‌گیرد. در واقع این دوره، دوره تشبیت و ترویج ساقی‌نامه‌هاست. در عصر صفوی سرودن ساقی‌نامه از رکن‌های اصلی شاعری و ساقی‌نامه از انواع مهم شعر شمرده می‌شود، حتی به دلیل کثرت و اهمیت ساقی‌نامه‌ها در این عصر مجموعه‌هایی از ساقی‌نامه‌ها را به صورت کتاب جمع-آوری کردند. در این نوع شعر شاعر به بهانه می، مستی و استفاده از دیگر کلمات میخانه‌ای ناگفتنی‌های خود را در نکوهش روزگار و اهل آن برای انتقاد از آن‌چه که او نمی‌خواهد بر زبان می‌آورد. ساقی‌نامه باقر خرده از این جهت اهمیت دارد که من واقعی شاعر را می‌توان در لابه لای آن جستجو کرد. درد دل‌هایی که ساقی را به شنیدن آن می‌خواند، نگرانی که شاعر را وادار می‌کند که به مغنی پناه ببرد و می بنوشد و این همه از می و مستی سخن بگوید هر یک از این مضامین در ساقی‌نامه دارای پیامی خاص و مطلب سنجیده‌ای است برای بیان موضوعی اجتماعی که

ذهن شاعر را به خود مشغول می‌داشته است. جدای از مضامین مشترک میان ساقی‌نامه‌ها، اما شکل و اسلوبی که مختص و خاص ساقی‌نامه‌های عصر صفوی می‌باشند و به کمک آن‌ها می‌توان ساقی‌نامه‌ها و نوع آن را تعریف نمود، همچنین شیرین‌ترین و زیباترین توصیفات از ساقی، جام می، مطرب و مغنی جز در ساقی‌نامه‌ها، یافت نمی‌شود. و در واقع ساقی‌نامه‌های عصر صفوی گنجینه‌ای بی‌نظیر از این توصیفات می‌باشند که ساقی‌نامه باقر خرده از این قاعده جدا نیست. مضامین و محتوای ساقی‌نامه باقر خرده به همانند اغلب ساقی‌نامه‌ها نزدیک به هم است: بی‌وفایی دنیا و شکایت از آن، ناپایداری زندگی و غم‌ها و شادی‌های آن، دعوت به اعتنام فرصت، عبرت از گذشتگان و پرهیز از غم و اندوه، آوردن تلمیحات فراوان اساطیری تاریخی و دینی که هر یک از این تلمیحات بیانگر بی‌ثباتی و ناپایداری مقام و منزلت دنیوی می‌باشد، همه از مضامین مشترک میان ساقی‌نامه‌هاست. اگر ساقی‌نامه را به‌صرف آن که در آن از جام، باده و سایر متعلقات آن سخن گفته شده، جزئی از شعر خمی بنامیم، صحیح به‌نظر نمی‌رسد، چراکه بسیاری از عرفا و شعرای ما در غزلیات‌شان نیز به ذکر باده و جام پرداخته‌اند. در ساقی‌نامه‌های این عصر ترکیبات و اصطلاحات می‌خانه‌ای و خراباتی از قبیل می، میکده، جام، خرابات پیر مغان، ساغر، پیمانان و امثال این‌ها در معنی مجازی و عرفانی به‌کار می‌رود. بررسی‌ها نشان داد در نگارگری دوره صفوی نیز مضامین غنایی، عاشقانه و اجتماعی همانند ساقی‌نامه‌ها مورد توجه است.

منابع:

کتاب‌ها:

- آذر، لطف علی بیگ. (۱۳۷۸). آتشکده، تهران: امیرکبیر.
- خرده کاشانی، محمدباقر. (۱۳۲۳ه). دیوان شعر، مشهد: آستان قدس.
- (۱۹۸۴). دیوان شعر، هند، تهران: موزه سلار جنگ.
- رویین، پاکباز. (۱۳۸۴). نقاشی ایران؛ از دیروز تا امروز. تهران: زرین و سیمین.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه، تهران: موسسه لغت نامه دهخدا.
- سیوری، راجر. (۱۳۸۰). ایران در عصر صفوی، ترجمه کامیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۴). انواع ادبی، تهران: فردوس.
- (۱۳۸۴). کلیات سبک‌شناسی، تهران: میترا.
- صفا ذبیح‌اله. (۱۳۷۳). تاریخ ادبیات در ایران، (ج ۵/۱)، تهران: فردوس.
- (۱۳۷۳). تاریخ ادبیات ادر ایران، (ج ۸/۱) تهران: فردوس.
- فتوحی محمود. (۱۳۹۵). آیین نگارش مقاله پژوهشی، تهران: سخن.
- (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
- فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنبی. (۱۳۹۰). تذکره میخانه، تصحیح احمد گلچین معانی، تهران: اقبال.
- کنبی، شیلا. (۱۳۸۹). رضاعباسی اصلاحگر سرکش. ترجمه یعقوب آژند. چاپ دوم. تهران: فرهنگستان هنر.
- گلچین معانی، احمد. (۱۳۸۴). تاریخ تذکره‌های فارسی (ج ۱)، تهران: کتابخانه سنایی.
- (۱۳۶۸). تذکره پیمان، تهران: کتابخانه سنایی.
- مؤتمن، زین‌العابدین. (۱۳۴۶). شعر و ادب فارسی، تهران: افشاری.
- (۱۳۴۶). گهرهای راز، تهران: افشاری.
- میرصادقی، ذوالقدر. (۱۳۷۳). میمنت، واژه نامه هنر، شاعری، تهران: مهنان.
- نظامی گنجه‌ای. (۱۳۸۴). کلیات، تهران: امیرکبیر.
- نهایندی، عبدالباقی. (۱۹۳۱-۱۹۲۴). «مأثر رحیمی»، کلکته: بی‌نا.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۹۰). بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.

مقالات:

- کریمیان، حسن؛ جایز، مژگان. (۱۳۸۶). «ایران عصر صفوی و نمودهای آن در هنر نگارگری». هنر اسلامی، شماره ۷، صص ۶۵-۸۸.
- محجوب، محمد جعفر. (۱۳۳۹). سخن، «ساقی‌نامه، مغنی‌نامه»، شماره ۱، صص ۱-۱۰.